

## دریچه

### ریاست دانشگاه را قبول نکرد

درباره دانشمند هسته‌ای، شهید مجید شهریاری

شهید مجید شهریاری، دانشمندی نابغه اما بی ادعا بود که نبوغ علمی او در میان همکاران و نزدیکانش مشهور بود. دکتر علی اکبر صالحی، رئیس سابق سازمان انرژی اتمی ایران، پیش از این درباره محاسبات غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم در کشور و نقش مهم شهید شهریاری در انجام این محاسبات گفته بود. او در گفت‌وگویی با فارس عنوان کرده: «فقط همین یک نفر بود. ما نفر دیگری نداشتیم. این توانی بود که فقط او داشت و کار ما به شدت وابسته به توان مجید بود... خدا می‌داند اگر شهریاری می‌گفت من این کار را می‌کنم و ۱۰ میلیارد تومان می‌گیرم، می‌گفتمم باشد یا ۵۰ میلیارد می‌گیرم، می‌گفتمم قبول. حالا جالب است برایتان بگویم که شهریاری این محاسبات را انجام داد و یک ریال هم نگرفت.»

#### نظم و پشتکار و مطالعات دینی

جلال بازرگان، رئیس دانشگاه زنجان، در دوران دانشجویی با شهید شهریاری در یک خوابگاه بودند. با توجه به اینکه او و شهید شهریاری اهل زنجان بودند، دوستی‌شان تا زمان شهادت مجید شهریاری ادامه داشت و خیلی وقت‌ها که او از تهران به زنجان می‌رفت، با جلال بازرگان دیدار می‌کرد. او هم عنوان کرده: «من و شهید شهریاری در دوران دانشجویی در دانشگاه صنعتی امیرکبیر در یک خوابگاه بودیم. شهید شهریاری مقطع لیسانس را در رشته الکتروتکنیک درس می‌خواند. او چند ویژگی برجسته داشت که می‌توان به هوش و افرش اشاره کرد؛ ضمن اینکه نظم، پشتکار و همت بلندی داشت و فردی بسیار مؤدب و متواضع بود. به لحاظ اعتقادی، بسیار مؤمن بود. او ضمن شناخت مبانی دین و مضامین شریف قرآن، با تفسیرالمیزان مانوس بود. آقامجید به تفسیرهای آیت‌الله جوادی آملی علاقه داشت و حتی یک دوره‌ای نوارهای کاست ایشان را گوش می‌داد و مکتوب می‌کرد. این کار را به صورت منظم انجام می‌داد تا اینکه بعدها متوجه شد در حوزه علمیه این کار را انجام می‌دهند، دیگر پیاده کردن سخنرانی را ادامه نداد؛ اما مطالعاتش در این زمینه ادامه داشت.»

#### بایای برهنه در کربلا

بازرگان در ادامه گفته است: «در بحث توسل به اهل بیت، مؤمن به عنایات امیرالمؤمنین(ع) و حضرات معصومین(ع) بود. اهل توسل و هیأت و گریه بود. به صدیقه طاهره(س) علاقه خاصی داشت. او در ۲۰ سالگی مفهوم انتظار و توسل به امام عصر(عج) را به اندازه یک عالم ۸۰ ساله درک کرده بود و به این مفهوم معرفت داشت. یکی از دوستان می‌گفت: «با شهید شهریاری به کربلا رفته بودیم، او از هتل تا حرم را پابرهنه می‌رفت. در بحث علمی، شهید شهریاری بعد از اینکه مقطع کارشناسی را گذراند، در مقطع کارشناسی ارشد وارد رشته فیزیک هسته‌ای شد. در آن مقطع ما با آقامجید شوخی می‌کردیم که «تو مهندسی رو رها کردی و رفتی فیزیک بخوانی که چی بشه؟» او تبسمی می‌کرد و پاسخی نمی‌داد.»

#### ریاست دانشگاه را قبول نکرد

بازرگان در ادامه گفته: «همچنان که آقامجید درس می‌خواند، با او در ارتباط بودیم. وقتی که او در دانشکده فیزیک هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی کار می‌کرد، در اوایل دولت نهم با آقامجید تماس گرفتیم و گفتیم: «بیا ریاست دانشگاه زنجان را به عهده بگیر!» او گفت: «نمی‌آیم!» گفتیم: «چرا؟» گفت: «اگر من دانشگاه زنجان نیایم، یکی را پیدا می‌کنند، اما در دانشکده فیزیک هسته‌ای کار را شروع کرده‌ام و می‌خواهم این مسیر را ادامه بدهم تا کار به نتیجه برسد.» همین رفتار او نشان می‌داد که شهید شهریاری اهل برنامه بود و راهبردی عمل می‌کرد.»

#### اگر انقلاب نمی‌شد معلوم نبود من الان کجا بودم!

جلال بازرگان همچنین در ادامه این گفت‌وگو درباره شهید شهریاری گفته: «آقامجید خودش را مدیون امام خمینی(ره) و این انقلاب و نظام جمهوری اسلامی می‌دانست.» من چندبار از او شنیده بودم که می‌گفت: «اگر امام خمینی(ره) نهضت را شکل نمی‌دادند و انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید، معلوم نبود در چنین زمانی اوضاع من مجید چه می‌شد؟ من الان کجا بودم و چه می‌کردم؟» بارها پیش آمده بود که می‌دیدم آقامجید در مشکلات و سختی‌هاست، اما در همان مشکلات، ایمان و توکل و صبر داشت. او در مقطع دکتری درس می‌خواند. مسئله‌ای پیش آمده بود و من به منزل‌شان رفتم به او گفتم: «آقامجید! خدا می‌داند چه کسی را امتحان کند. خدا، پیامبران را هم امتحان کرد.» بعد این آیه را خواندم که «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَاءَ الرَّسُولَ وَ طَلَّبُوا نَصْرَهُمْ قَدْ كُنُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا». بعد دیدم آقامجید به تفسیر مرحوم علامه طباطبایی در المیزان پیرامون آیه «انالله و انالیه راجعون» اشاره کرد و خیلی زیبا و محکم به این مشکلات ارتباط داد. آن زمان دیدم که او در تمام مشکلات، اعتقادات محکمی دارد.»

#### به فکر تحصیل علم در خارج نبود

بازرگان در پایان گفت‌وگو هم درباره ویژگی‌های دیگر شهید شهریاری آورده: «او علاوه بر اینکه علم داشت، غرور مقدسی هم داشت که حتی یک‌بار هم برای تحصیل علم از کشور خارج نشد. به یقین او از همدوره‌ای‌های خودش بالاتر بود. او نشان داد که داشتن علم و ایمان و عمل با توکل به خدا و خوش‌بینی به ذات اقدس حق می‌تواند انسان را به جایگاهی برساند که کارهایی را که دیگران نمی‌توانند انجام بدهند، انجام دهد. بارها پیش آمده بود که شهید شهریاری با مشکل و کره علمی مواجه می‌شد. او علمش را داشت، اما از غیرخدا و غیراولیای خدا منقطع بود و در مواجهه با آن مشکلات ۲ رکعت نماز توسل می‌خواند و نتیجه هم می‌گرفت. امروز لازم است این ویژگی‌های شهید شهریاری به عنوان یک الگو برای دانشجویان بازگو شود.»



### مقایسه وضعیت بانوان، قبل و بعد از انقلاب به روایت آمار

## چه کسی به زنان ظلم کرد؟

← مریدان زن ورزشی پیش از انقلاب فقط ۹ نفر بودند اما بعد از انقلاب این تعداد به ۳۵ هزار نفر رسیده است

[شهروند] در این سال‌ها رسانه‌های خارجی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین معاند، بیشترین تمرکز خود را بر موضوع «زنان در ایران» گذاشته‌اند. این موضوع به این دلیل است که با رخنه در ذهنیت زنان در واقع می‌توانند کانون خانواده را هدف بگیرند. اگر زنی ذهنیت ناپسامانی پیدا کند، طبیعتاً همسر و فرزندان را هم تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و در واقع خانواده را به تغییر و وحشتناک خواهد کشاند. در بیشتر گزارش‌های رسانه‌های اینچنینی، وضعیت زنان قبل از انقلاب به شکلی کلی ارائه می‌شود و با ارائه چند تصویر این موضوع به ذهن مخاطب القا می‌شود که در دوره پهلوی، اوضاع فوق‌العاده بوده است؛ این درحالی است که رجوع به آمار و ارقام، چیز دیگری می‌گوید. بهبود وضعیت زنان در ایران بعد از انقلاب چنان آشکار است که حتی گاهی بعضی از رسانه‌های غربی ناچار به اعتراف در این زمینه شده‌اند. از جمله آنها می‌توان به نیویورک‌تایمز اشاره کرد که چند سال پیش طی گزارشی، سال ۱۳۵۷ و انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در بهبود وضعیت زنان ایرانی در تمام حوزه‌ها دانست، اما برای ارائه آمار دقیق‌تر می‌توانیم به مواردی اشاره کنیم که در ادامه می‌آید. این آمار مستند است به مطالب کتاب «یک ون شبهه» (پاسخ به شبهات معترضین در حوزه زن و آزادی) نوشته سیدمحمد حسین راجی که به تازگی از سوی اندیشکده «شعداء» منتشر شده است. چنانچه مخاطب با دقت و انصاف این آمار را بررسی کند، متوجه خواهد شد آنچه پیش از انقلاب درباره زنان وجود داشت و بعضی رسانه‌های معاند تلاش می‌کنند آن را برجسته کنند، طبعی توخالی و تصویری پوشالی است.

#### آموزش

- به گزارش سازمان ملل، قبل از انقلاب، ایران جزء بی‌سوادترین کشورهای حوزه بانوان بود، اما هم‌اکنون به رتبه قابل تأملی رسیده است. میزان بی‌سوادی زنان ایران در سال ۱۳۴۴، ۷۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده بود اما تا سال ۱۳۹۸ که آخرین برآورد در این زمینه انجام شده، این آمار به پایین‌تر از ۵ درصد رسیده است.
- افزایش نسبت دختران به پسران در تحصیلات دانشگاهی، از حدود ۲۵ درصد در دهه ۵۰، به ۵۰ درصد رسیده است.
- استادان و هیأت علمی زن در دانشگاه‌های کشور، از کمتر از ۱۵ درصد در دهه پنجاه، به بیش از ۳۰ درصد در دهه ۹۰ رسیده است.

#### ورزش بانوان

- تعداد رشته‌های ورزشی بانوان از ۷ رشته در سال ۱۳۵۷، به ۵۰ رشته تا سال‌های اخیر رسیده است.
- تعداد مریدان ورزشی خانم نیز رشدی نجومی داشته و از ۹ مریدی قبل از انقلاب، به ۳۵ هزار مریدی افزایش داشته است.
- تعداد داوران زن نیز از ۷ نفر در دهه پنجاه به ۱۶ هزار نفر در زمان کنونی رسیده است که نشان از افزایش ۲ هزار برابری دارد.

## بیا فرار کنیم ثریا!

← ماجرای قابل تأمل درباره پهلوی دوم

[شهروند] نسل جدید ممکن است شناخت دقیقی درباره دوره پهلوی نداشته باشد. به همین دلیل کتابی به تازگی منتشر شده با عنوان «سایه روشن» (۱۰۰ داستان پرچادیه از حاکمان و رهبران ۱۰۰ساله ایران) که دقیقاً به‌کار نسل جدید می‌آید. نویسنده، سیدمحمد حسین راجی، در مقدمه اشاره به همین موضوع دارد و این عدم‌شناخت را مایه تأسف می‌داند. با این حال در این کتاب تلاش کرده کاملاً مستند به برخی عادات و رفتارهای عجیب رضا و محمدرضا پهلوی بپردازد. آنچه در ادامه می‌خوانید ماجرای قابل تأمل از زندگی محمدرضا پهلوی است.

#### بیا فرار کنیم ثریا!

**برگرفته از کتاب «کاخ تنهایی» (خاطرات ثریا اسفندیاری) ترجمه امیرهوشنگ کاووسی**

ساعت چهار صبح، زنتش را بیدار کرد. شانه‌هایش را تکان داد و گفت: «ثریا! باید هر چه زودتر از اینجا فرار کنیم! هر لحظه ممکن است دشمنان اینجا بریزند و ما را بکشند.

باید بدون معطلی حرکت کنیم!» ثریا دستپاچه شد: «کجا برویم؟!» - «خودمان را به رامسر می‌رسانیم و از آنجا با هواپیما به عراق پناهنده می‌شویم. یک ثانیه را هم نباید از دست بدهیم!» عصر دیروز

(یعنی بیست‌وچهار مرداد ۱۳۳۲)، کودتای اول آمریکایی‌ها علیه دکتر مصدق شکست خورده بود و نعمت‌الله نصیری، حامل حکم عزل مصدق، دستگیر شده بود.

محمدرضا پهلوی که برای درمان مانند از عواقب شکست کودتا، از چند روز قبل در شمال به سر می‌برد، حالا به فکر فرار از ایران افتاده بود. او آن قدر ترسیده بود که یادش رفت زنتش را سوار هواپیما کند! پس هواپیما دوباره پایین آمد و ثریا هم سوار شد. ثریا آن قدر عجله داشت که خودش را توی هواپیما انداخت و روی اسلحه کمبری محمدرضا نشست!